

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

دوشنبه ۳۰ دی ۱۳۹۸ | ۲۴ جمادی الاول ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۵۸۱ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Monday - 2020 JAN 20

www.jamejamdaily.ir

۷

جام جم در گفت‌وگو با کارشناسان راهکارهای مقابله با اقدامات خصمانه اروپا علیه کشورمان را بررسی کرده است

وقت پاسخ به پادوهای آمریکا



روایت خبرنگار جام جم از حال وهوای گروه‌های جهادی که این روزها در حال خدمت به سیل زدگان در سیستان و بلوچستان هستند

این خانه به دوشان، غم سیلاب دارند

بیشتر بخوانید

نگاهی به رابطه رسانه ملی و دولت به بهانه خبری که در رسانه‌ها پیچید و تکذیب شد

بسته‌های پاستوریزه!

۶

موج انتشار توییت به زبان فارسی در آمریکا که دستمایه شوخی کاربران شد

هجوم به گوگل ترجمه فارسی در آمریکا

۱۰

رنج کسبه ساختمان پلاسکو ۳ سال بعد از آتش‌سوزی همچنان ادامه دارد

پلاسکو هنوز می‌سوزد

۱۳

محقق ایرانی برای جست‌وجوی شهابسنگ‌ها راهی قطب جنوب شده است

شکار شهابسنگ در جنوبگان

۱۵

یادداشت

خاص‌تر از سیل



دکتر حسن موسوی‌چک رئیس انجمن مددکاران اجتماعی

❗ جوامع در طول حیات خود با مشکلات متعددی مواجه می‌شوند که می‌تواند در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و از جمله سوانح و بلایای طبیعی باشد. کشور ما نیز از این قاعده مستثنا نبوده و نخواهد بود. این مهم در ایران به دلیل حادثه خیز بودن در حوزه بلایای طبیعی از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است. حوادثی از قبیل سیل در استان سیستان و بلوچستان از این دسته است. نکته‌ای که در چنین حوادثی لازم است بیشتر مورد توجه قرار گیرد توجه به حمایت‌های مختلف از جمله افراد دارای نیازها و یا شرایط خاص هستند. به‌عنوان در چنین شرایطی افراد مختلف تأثیرات متفاوتی می‌پذیرند که الزاماً یکسان نخواهد بود. اما موضوعی که لازم است مورد توجه خاص قرار گیرد افرادی هستند که در حین بحران‌ها توانایی مراقبت از خود را به طور مستقل ندارند و نیاز به حمایت‌های دیگران دارند.

از جمله این افراد می‌توان به سالمندان، افراد دارای معلولیت، کودکان از جمله کودکان بی سرپرست، زنان و دختران تنها (از جمله سرپرست خانوار)، بیماران روانی، بیماران خاص، بیماران نادر، افراد دارای سوء مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، افراد دارای اختلالات روانی نیازمند مداخله‌های تخصصی و .. هستند، اشاره کرد. غفلت از این افراد تأثیرپذیری منفی آنها از بحران‌ها از قبیل سیل را افزایش می‌دهد. از جمله حمایت‌ها که برای این گروه از افراد در کنار خدمات امداد و نجات، اسکان و ... باید ارائه شود خدمات مربوط به حوزه بهداشت و درمان و تسهیل دسترسی آنان به خدمات درمانی متناسب با شرایط شان است.

تاخیر در ارائه این خدمات و دسترسی به داروهای مورد نیاز می‌تواند برای برخی از این گروه‌ها تبعات جبران‌ناپذیری داشته باشد. در کنار آن خدمات مددکاری اجتماعی در راستای تسهیل دسترسی به خدمات اجتماعی است. منظور از حمایت اجتماعی در بلایا عبارت است از مداخلات اجتماعی به طور منظم در جهت کمک به افراد برای کاهش آسیب‌پذیری و افزایش ظرفیت‌ها و تاب‌آوری آنان برای مقابله با بلایای طبیعی و بازگشت هرچه سریع‌تر به شرایط عادی با هدف پیشگیری از عوارض بیشتر اجتماعی، خصوصاً به افراد با نیازهای خاص که به دلایل فرهنگی، اجتماعی یا زیستی آسیب‌پذیرتر هستند.

این موضوع در منطقه سیستان و بلوچستان به مراتب از اهمیت بیشتری برخوردار است، چرا که در منطقه‌ای سیل به وقوع پیوسته است که مردم شریف آن در شرایط غیربحرانی هم برای تأمین نیازهای شان مشکلات جدی و اساسی داشتند و حال بحران سیل هم این مشکلات را مضاعف کرده است. لذا این نوع غفلت از مردم و افراد که نیازمند توجه ویژه‌تر هستند نه یک فعالیت از نوع ترجمه و دلسوزی، بلکه یک وظیفه حاکمیتی است لذا حوزه مدیریت بحران باید برای این گروه از افراد برنامه‌های ویژه‌ای از شناسایی تا ارائه خدمات به طور مستمر داشته باشد و وجود بانک اطلاعات جامع از اکثر این افراد می‌تواند در شرایط بحرانی شناسایی راتسهیل کند که معمولاً چنین بانک اطلاعات حداقلی را هم به همراه مشخصات و نشانی را هم نداریم، توضیح این نکته ضروری است که برنامه‌های مداخله در بحران سیل برای این افراد نباید فقط محدود به مرحله حین بحران شود بلکه ضروری است در مرحله بعد از بحران هم تارسییدن به شرایط عادی ادامه پیدا کند. در این شرایط مسوولان مدیریت بحران می‌توانند از همه ظرفیت‌های موجود در بخش‌های دولتی و غیر دولتی ولی با مدیریت مناسب و هماهنگی‌های لازم بهره بگیرند. انجمن مددکاران اجتماعی ایران همچون گذشته در چنین حوادثی حضور داشته و آمادگی خود را برای همکاری‌های بیشتر هم اعلام می‌کند. ❗

مربع توطئه در لبنان



گروه بین‌الملل

❗ شنبه شب، صدها نفر از کسانی که در کسوت معترضان به عدم تشکیل دولت لبنان در اطراف پارلمان حضور پیدا کرده بودند، در حرکتی ناگهانی ضمن حمله و ر شدن به پلیس لبنان، درگیری‌های خشونت باری را شکل دادند که در نهایت، به زخمی شدن ۲۴۰ نفر منجر شد. صلیب سرخ لبنان از زخمی شدن ۲۲۰ نفر در درگیری‌های شنبه شب در بیروت و انتقال ۸۰ نفر آنها به بیمارستان خبر داد.

منابع خبری اعلام کرده‌اند که این درگیری‌ها میان نیروهای امنیتی و معترضان که خشونت‌آمیزترین آنها از زمان آغاز تظاهرات در لبنان بود، پس از ساعاتی آرام گرفت. سوال اصلی اینجاست که خلق صحنه خونین اخیر در بیروت چرا و با چه هدفی صورت گرفت؟ به عبارت بهتر، چه کسانی عامل ایجاد بن بست سیاسی در بیروت و طرفدار استمرار خشونت و درگیری و تولید بحران‌های امنیتی دنباله‌دار در سرزمین سرروها هستند؟ صورت مسأله این است که «حسان دیاب» ۲۸ آذر ماه با ۶۹ رأی مأمور به تشکیل دولت لبنان شد و پیش‌بینی کرد ظرف شش هفته این اقدام را انجام خواهد داد، اما رابزنی‌هایش طی حدود یک ماه اخیر پیش‌رفتی قابل ملاحظه نداشته است. حتی زمره‌های کناره‌گیری وی از پست نخست‌وزیری نیز چند بار از سوی منابع خبری مطرح شد. بدون شک، بی‌دولتی و ایجاد بحران‌های امنیتی مزمن، دو سیاست و راهکاری است که رژیم صهیونیستی، ایالات متحده آمریکا، فرانسه و عربستان سعودی به عنوان امریج توطئه» دنبال می‌کنند. این بازیگران مداخله‌گر در امور داخلی لبنان، از هر فرصتی برای تقویت این دو مؤلفه استفاده کرده و معتقدند تحقق لبنان آرام، منجر به اتحاد داخلی و در نهایت، از بین رفتن قدرت مانور آنها در امور داخلی این کشور خواهد شد. این در حالی است که سرزمین سرروها به زودی بر این توطئه نیز فائق خواهد آمد.

❗ مواجهه ما آدم‌ها با پدیده‌هایی طبیعی مثل برف متفاوت است. برف برای یک بیجاری قطعاً مفهومی متفاوت دارد با منی که اهل کویرم. برای او برف می‌تواند یک قرار دوستانه را به تعویق بیندازد و برای من برف ندیده می‌تواند بهانه یک قرار باشد. این‌گره آنقدر گاهی محکم است که گاهی با زیست اساطیری مردمان یک قوم و طبیعت هم گره می‌خورد و تبدیل به یک باور می‌شود و همه بر سر آن توافق می‌کنند. نمونه‌اش همین بم ما. یک رشته کوهی در شمال شهر ما زندگی می‌کند که سرمه ای رنگ است و گاهی هم تابش آفتاب کیود و بنفش جلوه‌اش می‌دهد. به همین دلیل اسمش را گذاشته‌اند کوه‌های کفوتی، یک باور قدیمی بمی معتقد است، اگر روی کوه‌های کفوتی برف بنشیند همه گا‌وهای شهر می‌میرند.

❗ زیست اساطیری مردمان یک قوم و طبیعت هم گره می‌خورد و تبدیل به یک باور می‌شود و همه بر سر آن توافق می‌کنند. نمونه‌اش همین بم ما. یک رشته کوهی در شمال شهر ما زندگی می‌کند که سرمه ای رنگ است و گاهی هم تابش آفتاب کیود و بنفش جلوه‌اش می‌دهد. به همین دلیل اسمش را گذاشته‌اند کوه‌های کفوتی، یک باور قدیمی بمی معتقد است، اگر روی کوه‌های کفوتی برف بنشیند همه گا‌وهای شهر می‌میرند.

❗ اولین مواجهه‌ام با برف جایی حوالی پنج سالگی ام بود. کجا؟ کرمان. خانه مادر بزرگ مادری ام غروب پنجشنبه‌ای بود که رسیدیم. شب سردی بود. پدر بزرگم از پشت به پنجره‌ها برزنت‌های ضخیم و روفرشی‌های مندرس آویزان کرده بود که سوز سرما از درز پنجره‌ها نخزد توی اتاق و بوی شلغم روی بخاری را رقیق نکند. شب را خوابیدیم و فردایش که داشتیم صبحانه می‌خوردیم، خاله کوچیکه از توی حیاط آمد و گفت اوووف چه برفیه و من برق شدم که برف چیست؟ گفش و کلاه کردیم و رفتیم توی حیاط. زمین را انگار پنبه کاشته بودند. دوستش داشتم. بعد ما خدایان کوچکی بودیم که با دست‌های کوچک و سرخ و پیرپیر شده جمعی ساختیم با دو چشم زغالی و بینی ای قاعدتا با هوپ و همین شد اولین آدم برفی زندگی من. اتوبوس‌ها توی عرفات که پیاده‌ات می‌کنند. می‌روی ساک دم دستی ات را می‌گذاری توی چادرت و با خودت خلوت می‌کنی. شب عرفه آن هم توی توی عرفات باشی اصلاً انگار روی زمین نیستی. ساکم را گذاشتم و یک تایلوی سبز دلم را برد؛ الی جیل الرحمه ... به سمت کوه رحمت، یک کوه بزرگ سیاه است با سنگ‌هایی براق و سیاه انگار روغن سوخته ریخته باشند روی سنگ‌ها. کوه وسط آن بیابان مثل یک گاو که بر کناره مزرعه‌ای آرمیده باشد، دراز کشیده. می‌گویند آدم روی همین کوه بخشیده شد. به کوه رسیدم. تو فکر کن روی این کوه تنها در عرفات. چند هزار نفر با لباس سفید احرام گله گله نشسته‌اند و دارند مناجات می‌کنند. ما شعیبه‌ها اجازه نداریم کوه را بالا برویم. روز عرفه باران عجیبی گرفت. عین دم اسب باران می‌بارید.

برف در ۵ پرده

❗ بعد از دعای عرفات و اتمام مناجات رقتیم سمت جبل الرحمه ... حیرت آور بود. کوه را سرتاسر حاجیان کشورهای مختلف پوشانده بودند. روی کوه انگار برف نشسته بود. برف نیایش و تمنا ...

❗ نه می‌خواهم ادای متفاوت‌ها را در بیاورم نه می‌خواهم حالتان را بگیرم. ولی قبول کنید برف برای آن که سر و سامانی دارد، زیباست و دلبر. موتورسوارها، نگهبان‌ها، کشاورزها و همه آنها‌یی که از سقف خانه‌شان گاهی آسمان دیده می‌شود. خیلی برف را دوست ندارند. همین شمایمی که الان دارید این یادداشت را می‌خوانید فکر کنید. جوراب پاتتان نبود و پشت موتور همسر، برادر یا پدرتان می‌رفتید روستای بغلی برای این که یک آمپول بزنید و برگردید. قطعاً این نگاه مهربانانه به برف را نداشتید و حتی از آن متنفر می‌شدید. نصیحت کار من نیست ولی اگر دارید از برف امروز لذت می‌برید و حالتان خوب است، یک کاری برای کسی که فکر می‌کند برف ممکن است ادیتش کند، انجام بدهید. لذت برف چندین برابر خواهد شد.

❗ رفته بودیم سونوگرافی که صدای قلبش را بشنویم. بچه اولمان بود. خیلی هیجان و دلهره داشتیم، من پدرانه و توییز و مادرانه و دلشوره دار ... رفتیم. قلب کوچولوش را دکتر نشانمان داد. دست و پا و جمجمه کاملاً گردالی اش را. شرمگانه می‌خندید و من رها و بی خیال مشت توی سینه ام می‌کوبیدم و قربان صدقه اش می‌رفتم و خانم دکتر هم می‌کله تکان می‌داد که خیالاً ... سرخوش زدم برون. نرمه برفی می‌بارید. پیشهاد دادم برویم کباب بخوریم و سرخوشانه قبول کرد. کباب را زدیم، گفتم ماشین دربست بگیرم بروی خانه گفت نه با اتوبوس می‌روم. توی برف دستش از دستم جدا شد و رفتش را نگاه می‌کردم. ده قدمی دور نشده بود که پایش از آهن پل لیزخورد و افتاد توی جوی آب. جهان اسلوموشن شد هیچ چیز نمی‌شنیدم، دودیدم، گریه می‌کرد. ترسیده بودیم. رساندمش خانه، باید می‌رفتم بسر کار. سه چهار ساعت بعد زنگ زد و با گریه گفت: تکون نمی‌خوره ... جهنم شده بود دقیقه‌هایم. به دکتر زنگ زدیم و گفت تا فردا صبح صبر کنید. اتفاقی نیفتاد بیا باید ... برف می‌بارید و ما منتظر یک لگد کوچک بودیم. جایی حوالی ۱۱ شب بود که دخترمان با لگدی روبه‌رو کارلوسی به ما فهماند حالش خوب است راستش دست خودم نیست. برف که می‌بارد من دلشوره می‌گیرم. برای همه مادران پا به ماه. همه موتوروی‌هایی که خرج خانه در می‌آورند همه پلیس‌هایی که جرمه‌مان می‌کنند. برای لیوفروش‌گردنه امامزاده‌ها هم و راننده‌گردیدار اداره‌راه ... یک چیز دم کوشی بگویم جایی نگویند. من از برف خیلی می‌ترسم ❗

همکار گرامی جناب آقای مرتضی شیرازی

مدیر محترم فنی

در گذشت خواهر گرامی‌تان را تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند برای آن مر حومه غفران و برای بازماندگان صبر و اجر مسألت می‌نمائیم.

موسسه فرهنگی - مطبوعاتی جام جم

همکار گرامی جناب آقای اکبر فکری آبکنار

اکبر فکری آبکنار

در گذشت مادر گرامی‌تان را تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند برای آن مر حومه غفران و برای بازماندگان صبر و اجر مسألت می‌نمائیم.

موسسه فرهنگی - مطبوعاتی جام جم

نیازمندی

استان‌های

قم، اصفهان

البرز و کرمانشاه

همیشه

رایگان

امروز

ویژه‌نامه

استانی

آذربایجان